

یادے از ایک ہنرمند

محمد محمود

رشد آموزش هنر
دورہ چہارم شمارہ ۴
تابستان ۱۳۸۶

آناہیتا مداحی

دردل زمستان ۱۳۰۵، در یک روز
از ماہ بہمن کہ سطح زمین از سفیدی
برف بہ سردی فلز نقرہ شدہ بود،
کودکی در اصفہان دیدہ بہ جہان
گشود. در آن زمستان، لبخند مہر،
گرمای تولدش را دوچندان کردہ بود.
پدرش زارع بود تا با ہمت
بازوانش، نانی بہ خانوادہ ہدیہ کند.
مادرش دوست داشت فرزند دومش،
تنہا پسر خانوادہ، آموختن را تجربہ
کند. ہمتی کرد و کودک پنج سالہ اش
را بہ مکتب دار سپرد تا بیاموزد: «الف،
ب، پ، ...»

این اولین نوای دستہ جمعی بود
کہ محمود تجربہ می کرد. زمان
آموختن دو سال طول کشید. پس از
طی این زمان، چہ کسی تصمیم
می گرفت؟ پدر، مادر یا خواہر؟ استاد
می فرمود: «خواہرم ہمہ چیز بود؛
استاد، مشاور، راہنما، پناہگاہ.»
محمود در آن زمان کہ در آغوش
خواہر بہ نجوای مہر آمیزش گوش
می داد، از دورہا صدایی می شنید، چون
آوای فرشتگان برفراز آسمان خانہ
پرواز می کردند. محمود نیز با آن صدا





جام برجسته کاری نقره، ارتفاع ۲۰ سانتی متر، طرح و قلم:
 محمود دهنوی. موزه سازمان صنایع دستی ایران

می افزود و حرارت می داد تا به صورت قابل استفاده برای داخل ظرف درآید. و یا ظروفی را که باید روی آن‌ها قلم زنی می شد، از دواتگر، ریخته‌گر یا چکش کار می گرفت و داخل، آن‌ها را با مخلوط قیر و گچ پر می کرد و برای کار جلوی دست استاد می گذاشت. سرانجام، محمود با عزم راسخ گفت: «اگر چکش نیست، من با وزنه قلم زنی می کنم.» و دیری نپایید که زیر نظر استاد رضا نایب‌پور، روی ظروف نقره‌ای به کار پرداخت و ذوق و اشتیاق و استعداد سرشارش سبب شد، به زودی مهارت لازم را به دست آورد و کارگاهی مستقل برپا کرد. اندکی بعد، در سال ۱۳۳۲ به همراه خانواده راهی تهران شد و به پیشنهاد استادان بزرگی چون مرحوم حسین مصورالملکی و علی کریمی، در سال ۱۳۳۴ به یاری سازمان میراث فرهنگی آن زمان (اداره کل هنرهای زیبا) شتافت. او در زمان شاگردی استاد مصورالملکی، طراحی را فراگرفت و به توصیه‌ی ایشان به مطالعه‌ی نقوش اصفهان پرداخت.

همانند فرشتگان به پرواز درمی آمد. نوای این نغمه آرزوی کودکی شد که هرگز چکش یا قلمی به دست نگرفته بود و اصلاً شیرینی قلم زنی را تجربه نکرده بود. اولین آموزشگاه محمود، «کارگاه قلم زنی برادران عتیقه‌چی» نام داشت. ابتدا پادویی می کرد، گرچه لحظه‌ای هرس گرفتن چکش و زدن آن بر فراز قلم، از دل او بیرون نمی رفت. اما نگاه پر تمنا و نگاه خاموشش دل آموزگار را به رحم نمی آورد و حتی اجازه‌ی امتحان کردن را نیز به او نمی داد؛ با گفتن این که: چکش نیست تا او کاری انجام دهد، و ایشان مشغول جمع کردن و مرتب کردن کارگاه می شد.

قلم، سنبه، نیم‌بر، گرد سوار، گرسوم، یک تو، دو تو، ناخنی، بادامچه، کف تخت، نیمرو، نیم بر کلفت، قلم ساده یا درختی، قلم تیری، قلم بادامی، خشه تیزبر، و چکش‌های فلزی قلم زنی را روی میز استاد مرتب می کرد. یا این که قیر مخصوص قلم زنی را مهیا می کرد و به آن گچ



با مطالعه و بررسی طرح‌ها و نقوش ادوار گوناگون تاریخ، چون مفرغ‌های لرستان، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، سلجوقی و... به احیای نقوش اصیل هنر قلم‌زنی همت گماشت و دریافت که طرح‌ها و نقوش ایرانی، سرشار از رمز و رازهایی است که برای خلق آثار اندیشمند همانند آن‌ها، باید دقایق و ظرایف آن‌ها را درک کرد. وی کوشید، با تعمق به آثار گذشتگان بنگرد و با الهام از آثار و سبک‌های آن‌ها، در کار خود نوآوری و خلاقیت ایجاد کند.

استاد دهنوی، پس از طراحی نقوشی که قرآ بود روی فلز پیاده شوند، با ابزاری مانند پرگار ابعاد ظرف را تقسیم‌بندی می‌کرد و به صورت مستقیم به وسیله‌ی مداد یا ابزار تیز، مانند قلم نیم‌بر یا قلم سنبه، طرح را روی ظرف فلزی انتقال می‌داد. روش دیگر برای انجام این کار، «گرده‌کردن» است. در این روش، طرح آماده شده را روی قطعه فلزی برنجی قرار می‌دهند و با چکش و قلم سنبه آن را مشبک می‌سازند و خطوط طرح را با نوک قلم روی فلز برنجی با سنبه سوراخ می‌کنند تا هنگام گرده‌کردن طرح، خطوط به آسانی روی ظرف منتقل شوند. سپس کاغذ سنبه شده را روی ظرف می‌چسبانند و با گرده‌ی ذغال (دوده) که داخل قطعه



پارچه‌ای قرار دارد، روی کاغذ سنبه شده می‌کشند تا طرح از سوراخ‌های کاغذ روی ظرف قلم‌زنی انتقال یابد. پس از قلم‌زنی و اتمام کار، قیر را گرم می‌کنند و از داخل ظرف یا پشت‌بوم (پلاک) فلزی برمی‌دارند. زیبایی هنر قلم‌زنی هنگامی نمایان می‌شود که ظرف برنجی یا مسی را با محلول تمیز آب سلطانی، و ظرف طلا و نقره را با محلول اسید سولفوریک پرداخت کنند.

استاد بیش از ۲۶ سال مدیریت کارگاه قلم‌زنی را در اداره‌ی میراث فرهنگی برعهده داشت. سرانجام در سال ۱۳۵۹ بازنشسته شد و به تدریس قلم‌زنی و طراحی سنتی در مراکز آموزش عالی پرداخت.

استاد دهنوی به برپایی بیش از ۱۰ نمایشگاه در داخل و خارج از کشور، از جمله بلژیک (بروکسل)، مصر، تونس، امارات عربی، هند، ایتالیا، انگلستان، آلمان و عمان همت گماشت و بازدیدکنندگان، آگاهان و نقادان آثار هنری، به تحسین آثار ایشان پرداختند. بخشی از آثار ایشان زینت‌بخش موزه‌ها، گنجینه‌های شخصی و عمومی در سراسر جهان است که بخش اعظم آن در موزه‌ی هنرهای ملی ایران و نمایشگاه دائمی آثار صنایع دستی ایران نگه‌داری می‌شوند. هم‌چنین، در سال ۱۳۶۸ هـ - ش از سوی سازمان صنایع دستی، یکی از آثار ایشان به عنوان تمبر یادبود به چاپ رسید.

از هم‌دوره‌ای‌های محمود دهنوی می‌توان از این استادان نام برد: حاج محمد تقی ذوفن (که ضریح بارگاه امام رضا(ع) را در سال ۱۳۳۵ ساخت)، حاج سید محمد عریضی (که ضریح کنونی مرقد حضرت معصومه (س) را ساخت)، محمود ربیعی، نظرالله مهدبی، ابراهیم داعی‌زاده (نفر اول قلم‌زنی در دوران جنگ دوم جهانی)، اشرف‌زاده، شاه میرزا لاهیجی، حسین علاقه‌مندان، حاج محمدعلی پرورش، سید مهدی علمداری، حدادزاده، برادران خسروانی، و هاکوبیان.

از شاگردانی که از قلم ایشان اثری دارند، می‌توان از استاد احمدفیناستیان، و از کسانی که شاگردشان نبوده‌اند، ولی از قلم ایشان درس گرفته‌اند، آقای مجید بهرام‌پور و آقای یزرگیان را نام برد. استاد سرانجام در سال ۱۳۸۰ دیده از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت. روحش شاد و قرین رحمت باد.